

اشاره:

در دنیای رقابت‌آمیز تجارت جهانی، هر کشوری درصدد افزایش سهم خود در مبادلات بین‌المللی کالاها و خدمات است تا بتواند اشتغال منابع تولید اقتصادی خود را به حداکثر برساند و از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی و دست یافتن به رشد و توسعه پایدار اقتصادی بر مشکلاتی نظیر بیکاری و فقر توده‌های اجتماعی غلبه نماید.

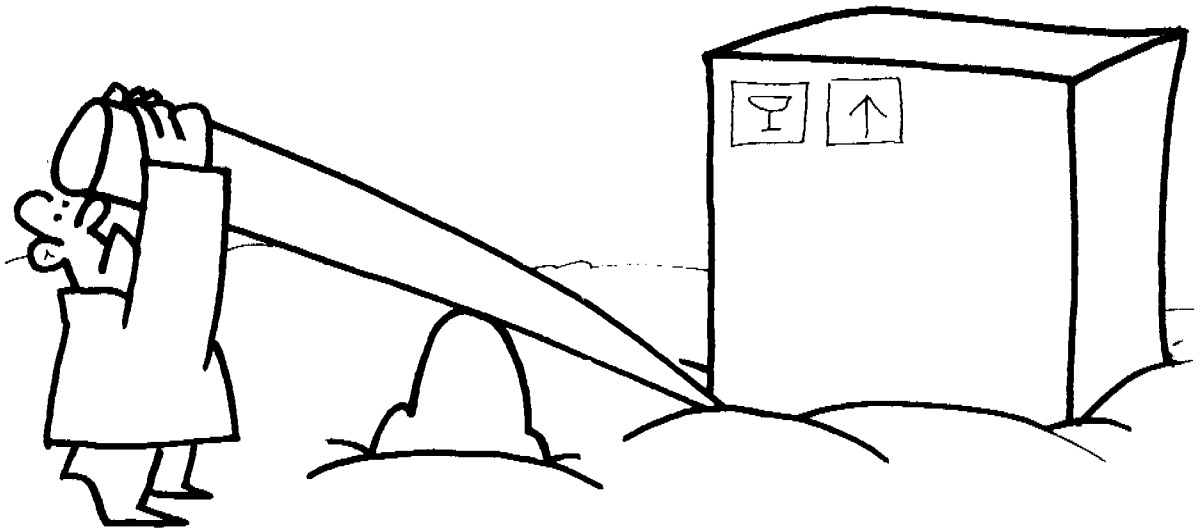
در این راستا سیاست‌های اقتصادی و تجاری خاصی که هر کشوری برای دفاع از منافع اقتصاد ملی خود اتخاذ می‌کند، خواه و ناخواه بر دیگر کشورها (شرکای تجاری‌اش) اثرات مثبت و منفی خواهد داشت. در این رهگذر آثار منفی سیاست‌ها و راهبردهای تجاری جهان پیشرفته با تسلط شرکت‌های فراملیتی بر بازار کالاها و خدمات و رقابت‌های گاه مکارانه و... بر کشورهای روبه‌رشد جهان بیشتر است. به گونه‌ای که امروزه در محافل بین‌المللی ندای حق‌طلبانه کشورهای درحال توسعه به گوش می‌رسد. آنها با اعلام سیاست‌های زیانبار کشورهای صنعتی و عدم دستیابی به بازارهای جهانی، تسلط شرکت‌های فراملیتی بر بازار مواد اولیه و روند نزولی قیمت این کالاها که معمولاً دستاورد نیروی انسانی فقیر کشورهای روبه‌رشد است، خواستار نظم نوینی در تجارت بین‌المللی هستند. نظمی که بتواند دسترسی آسان‌تر و شرایط منصفانه‌تر را در تجارت جهانی برقرار سازد.

گذشته از پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری و تولید کالاهای باارزش افزوده بالا در کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌های تجاری این کشورها در تعرفه‌بندی کالاها نیز مانع از صدور فرآورده‌های با ارزش افزوده بیشتر کشورهای درحال توسعه به بازارهای کشورهای صنعتی شده است.

در این راستا سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در جهان روبه‌رشد با فشارهای اعمال شده از سوی شرکت‌های فراملیتی و قوانین تجاری کشورهای صنعتی، از بازده کافی و مناسب برخوردار نیست. این روند اختلاف میان کشورهای شمال و جنوب را روبه‌روز بیشتر می‌نماید و در نهایت تعادل و توازن اقتصادی این کشورها را از بین خواهد برد.

در این گزارش، تلاش داریم به بررسی نقش تعرفه‌های تجاری در سیاست‌های بازرگانی و اثرات اقتصادی آن بپردازیم. با هم این گزارش را می‌خوانیم:

# تعرفه‌های تجاری، اهرمی برای پهبود تراز تجارت خارجی است



کشور را تجویز می‌کند، به یاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی هست.

آمریکا برای کاهش کسری تراز تجاری خود، بارها شرکای تجاری‌اش را تهدید کرده و در قالب نشست سران گروه هفت، با دخالت در بازارهای ارز و تعرفه‌های تجاری تلاش کرده است که بر مشکل خود به زیان شرکا غلبه کند.

البته نمی‌توان در این زمینه فرهنگ مردم ژاپن در استفاده از تولیداتشان را نادیده گرفت، تا جایی که با وجود بالاترین میزان پس‌انداز سرانه در این کشور، تقاضای داخلی برای واردات کالاهای آمریکایی افزایش قابل‌توجهی نداشته است. طراحان سیاست‌های تجاری آمریکا با ناامیدی از اقدامات دولت ژاپن در گشایش بازار داخلی، سرانجام به این ترفند روی آوردند که دولت ژاپن با قبول کسری بودجه کلان، اقدام به خریدهای اداری و دفتری نماید تا شاید عدم توازن تجاری با شریک قدرتمند (آمریکا) تخفیف پیدا کند.

هدف از بیان این مطالب، ابتدا اشاره به فرهنگ مصرف تولیدات ملی و نقش سازنده آن در بهبود تراز تجاری اقتصاد ملی است و سپس به نکته اصلی یعنی نقش تعرفه‌های تجاری در اصلاح ساختار تجارت خارجی می‌پردازیم.

قدر مسلم آن است که اگر مردم به مصرف تولیدات ملی عادت پیدا کنند و به کیفیت محصولات ساخت وطن اطمینان بیشتری پیدا کنند، تعرفه‌های تجاری شاید نقش زیادی در

نزاع تجاری آمریکا و ژاپن بر سر مازاد روبه‌تزیاید تراز بازرگانی ژاپن با آمریکا از اوایل دهه ۱۹۸۰ در رسانه‌های نوشتاری و نیز تصویری مشاهده شده است. بارها سیاستمداران و دولتمردان آمریکایی، ژاپنی‌ها را تهدید به ایجاد موانع تجاری گوناگون کرده‌اند تا آنها را مجبور نمایند بازارشان را به روی تولیدات آمریکایی بیشتر بکشایند و از طریق افزایش وارداتشان از شرکت‌های آمریکایی از مازاد تراز تجاری‌شان بکاهند.

نزاع معاملات گوشت گوساله و پرتقال در اواخر دهه میلادی گذشته در اذهان بسیاری از علاقه‌مندان به اخبار و تحلیل‌های اقتصادی بجا مانده است. موضوع بازار برنج ژاپن و دفاع دولت ژاپن از برنجکاران این کشور، بارها دولتمردان و بازرگانان آمریکایی را آزرده است.

○ گسترش فرهنگ مصرف تولیدات ملی، نقش سازنده‌ای در بهبود تراز تجارت خارجی دارد و تعرفه‌های تجاری می‌تواند در اصلاح ساختار تجارت خارجی مؤثر واقع شود.

تهدیدهای رییس‌جمهوری آمریکا درباره استفاده از قانون سوپرا ۳۰۱ که مجازات‌های اقتصادی علیه شریک تجاری این

توازن تجارت خارجی نداشته باشد.

متأسفانه در کشور ما هنوز میل به مصرف تولیدات خارجی آنچنان زیاد است که دولت مجبور می‌باشد با اعمال تعرفه‌های سنگین مانع از واردات کالاهای غیرضروری و لوکس شود. حتی ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی که هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تولید کالاهای صادراتی در منطقه را داشت، تا از یکسو به رشد اشتغال، مهارت‌های فنی و درآمد مردم بومی کمک کند و از سوی دیگر صادرات غیرنفتی را از طریق دریافت دانش فنی و فن‌آوری بهبود بخشد، نتوانست کارساز واقع شود. اکنون مناطق آزاد تجاری، روزنی برای واردات کالاهای لوکس و غیرضروری شده است و بخش عمده فروش این محصولات از طریق کالای همراه مسافر یا قاچاق وارد سرزمین اصلی می‌شود.

در هر حال لازم است غلبه بر میل مصرف کالاهای خارجی محقق گردد و فرهنگ استفاده از تولیدات بومی در میان مردم جا بیفتد.

گذشته از آن، تعرفه‌های تجاری (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) نیز از ابزارهای است که می‌تواند تا حدودی در ایجاد توازن در تراز تجارت خارجی مؤثر باشد. افزایش تعرفه‌های تجاری سبب می‌شود که بهای کالاهای وارداتی برای مصرف‌کننده این‌گونه کالاها افزایش پیدا کند و دولت نیز به منبعی از درآمد دست یابد. از سوی دیگر با افزایش بهای کالاهای وارداتی، تولیدات داخلی مشابه مورد حمایت قرار می‌گیرند و قدرت رقابت در بازار را پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر افزایش تعرفه‌های تجاری به مثابه شمشیر دولبه عمل می‌کند. از سویی منجر به کاهش واردات شده و تراز تجارت خارجی را بهبود می‌بخشد و از سوی دیگر با افزایش تقاضا برای تولیدات داخلی، استفاده از ظرفیت‌های موجود میسر می‌گردد و سرمایه‌گذاری برای ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی مورد تشویق قرار می‌گیرد. این امر به رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال، غلبه بر تورم در اثر افزایش تولید و کاهش هزینه مصرف‌کنندگان، استفاده بیشتر از منابع طبیعی و توانمندی‌های اقتصادی ملی و... کمک می‌کند.

با وجود آنکه برخی دست‌اندرکاران تجارت عقیده دارند حقوق گمرکی واردات در ایران سنگین است، اما این ادعایی بیش نیست، زیرا آمارهای بانک مرکزی خلاف این نظر را ثابت می‌کند.

در گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۵ بانک مرکزی

جمهوری اسلامی ایران آمده است: «بودجه سال ۱۳۷۵ در راستای اهداف برنامه دوم توسعه مبنی بر ایجاد تعادل در بودجه دولت تهیه و تدوین گردید. از مهم‌ترین این اهداف در بخش درآمدها تأکید بر افزایش درآمدهای مالیاتی در چارچوب هدف‌های کمی تعیین شده و کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی و در بخش اعتبارات توجه به اتمام هر چه سریع‌تر پروژه‌های عمرانی بود.»

### ○ افزایش تعرفه‌های تجاری موجب بالا رفتن بهای کالاهای وارداتی و کاهش تقاضا برای آنها و نیز حمایت از تولیدات داخلی و رشد درآمدهای دولت می‌شود و به مثابه یک شمشیر دولبه عمل می‌کند.

در این گزارش آمده است: براساس قانون بودجه سال ۱۳۷۵ کل کشور درآمدها و پرداخت‌های بودجه عمومی (بدون درآمدها و پرداخت‌های اختصاصی) به ترتیب برابر ۵۵۲۹۵/۵ میلیارد ریال و ۵۵۸۷۱/۲ میلیارد ریال به تصویب رسید. در بخش دیگری از این گزارش آمده است: در ادامه سیاست‌های مالی سال‌های اخیر دولت، در تنظیم بودجه سال ۱۳۷۵ نیز تأکید بر افزایش درآمدهای مالیاتی و سهم آن در کل درآمدهای دولت بود.

عملکرد بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که درآمدهای عمومی با رشدی برابر ۲۷/۸ درصد به ۵۷۲۷۵/۶ میلیارد ریال رسید که در مقایسه با رقم بودجه مصوب (۵۷۱۵۲/۴ میلیارد ریال) ۰/۲ درصد بیشتر تحقق یافته است. در این سال افزایش درآمد حاصل از صدور نفت و گاز، بیشترین سهم (۱۴/۶ درصد) را در افزایش درآمدهای عمومی دولت داشت.

در بخش دیگر این گزارش آمده است، طی سال مورد بررسی درآمدهای غیرنفتی معادل ۲۴۵۲۹/۹ میلیارد ریال بود که نسبت به رقم مشابه سال قبل افزایش چشمگیری برابر ۶۴/۵ درصد داشت. در این سال بر سهم درآمدهای غیرنفتی افزوده شد، به طوری که از ۲۵/۹ درصد در سال قبل به ۴۲/۸ درصد رسید. مهم‌ترین عامل افزایش درآمدهای غیرنفتی، درآمدهای مالیاتی بود که اثر مستقیم آن در افزایش درآمدهای غیرنفتی ۲۵/۲ درصد بود. حدود ۵۱ درصد از درآمدهای غیرنفتی مربوط به درآمدهای مالیاتی و ۴۹ درصد بقیه مربوط به سایر

○ نسبت درآمدهای مالیاتی در سال ۷۵ به تولید ناخالص داخلی فقط ۵/۴ درصد بود. سهم این درآمدها در تأمین اعتبارات جاری دولت فقط ۳۳/۴ درصد بود، در حالی که در همین سال ۱۵ میلیارد دلار کالا وارد کشور شد.

در بخش دیگر این گزارش آمده است: در سال ۱۳۷۵ مالیات بر واردات تنها گروه مالیاتی بوده که وصولی دولت از محل آن کمتر از میزان مصوب بودجه (۳۶۴۰ میلیارد ریال) تحقق یافت و به ۲۹۳۴/۳ میلیارد ریال محدود گردید. طی سال مورد بررسی، عدم تحقق کامل درآمد حاصل از حقوق گمرکی و سود بازرگانی عمدتاً به دلیل عدم افزایش نرخ تعرفه‌ها بود.

بدین ترتیب که براساس قانون بودجه سال ۷۵ جهت تحقق درآمد حاصل از سود بازرگانی، نرخ متوسط تعرفه‌ها می‌باید به حدود ۱۰ درصد افزایش می‌یافت. لیکن در عمل در سطح ۴/۳ درصد قرار گرفت و درآمد حاصل از حقوق گمرکی و سود بازرگانی معادل ۳۰/۴ درصد عدم تحقق نشان داد.

در سال ۱۳۷۵ ارزش واردات گمرکی کشور حدود ۱۵ میلیارد دلار بود که نسبت به سال قبل ۲۲/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. بدین ترتیب در گروه مالیات بر واردات معادل ۱۵۳۶/۵ میلیارد ریال از محل حقوق گمرکی و سود بازرگانی، ۱۳۵۷/۶ میلیارد ریال از محل حق ثبت سفارش کالا و ۳۰/۹ میلیارد دلار از محل صدی‌سی ارزش اتومبیل‌های وارداتی عاید خزانه شد که نسبت به سال قبل به ترتیب ۹۳/۹ و ۲۵۳/۵ درصد افزایش و ۲۹/۳ درصد کاهش نشان می‌دهد.

درآمدهای دولت شامل درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت، خدمات و فروش کالا، درآمدهای متفرقه و بهره‌وام‌ها و سود حاصل از سرمایه‌گذاری دولت در خارج از کشور بود.

در ادامه این گزارش آمده است: در قانون بودجه سال ۱۳۷۵ درآمدهای مالیاتی برابر ۱۰۷۴۳/۹ میلیارد ریال به تصویب رسید. در عمل وصولی دولت از این محل ۱۶/۹ درصد بیشتر از رقم مصوب تحقق یافت و ۱۲۵۶۰/۲ میلیارد ریال عاید خزانه شد که نسبت به سال قبل از آن ۷۱/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. در سال مورد گزارش افزایش درآمدهای مالیاتی عمدتاً ناشی از درآمد مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر واردات بود، به طوری که رشد درآمدهای حاصل از این دو گروه به ترتیب موجب ۲۸/۵ و ۲۳ درصد افزایش در کل درآمدهای مالیاتی گردید.

در ادامه این گزارش آمده است: در سال ۱۳۷۵ نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در مقایسه با سال قبل افزایش یافت و از ۴ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۵/۴ درصد در سال ۷۵ رسید. همچنین نسبت درآمدهای مالیاتی به اعتبارات جاری افزایش یافت و از ۲۵/۷ درصد در سال ۷۴ به ۳۳/۴ درصد در سال ۷۵ رسید.

در این گزارش آمده است که در بخش مالیات‌های غیرمستقیم تنها مالیات بر واردات کمتر از میزان بودجه مصوب بود. همچنین از کل درآمدهای مالیاتی ۴۲/۸ درصد مربوط به مالیات بر شرکت‌ها، ۲۳/۸ درصد مربوط به مالیات بر درآمد، ۲۳/۴ درصد مربوط به مالیات بر واردات، ۵/۲ درصد مربوط به مالیات بر مصرف و فروش و ۴/۸ درصد مربوط به مالیات بر ثروت بود.

جدول درآمدهای مالیاتی (به استثنای درآمدهای اختصاصی)

شرح	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	سهم درصد (۷۴)	سهم درصد (۷۵)
مالیات بر شرکت‌ها	۱۲۹۷/۳	۱۶۰۱/۰	۲۳۹۸/۳	۳۲۹۶/۲	۵۳۷۸/۳	۴۵/۱	۴۲/۸
مالیات بر ثروت	۱۴۷/۳	۲۴۸/۷	۳۳۱/۰	۴۸۳/۴	۵۹۸/۶	۶/۶	۴/۸
مالیات بر درآمد	۵۴۶/۷	۷۶۶/۰	۱۱۲۴/۹	۱۸۶۹/۲	۲۹۹۳/۷	۲۵/۵	۲۳/۸
جمع مالیات‌های مستقیم	۱۹۹۱/۳	۲۶۱۵/۷	۳۸۵۴/۲	۵۶۴۸/۴	۸۹۷۰/۶	۷۷/۲	۷۱/۴
مالیات بر واردات	۱۲۴۵/۳	۱۱۲۳/۴	۱۲۸۴/۲	۱۲۴۹/۹	۲۹۳۴/۳	۱۷/۱	۲۳/۴
مالیات بر مصرف و فروش	۵۳۸/۹	۳۲۲/۲	۳۵۲/۴	۴۱۴/۳	۶۵۵/۳	۵/۷	۵/۲
جمع مالیات‌های غیرمستقیم	۱۷۸۴/۲	۱۴۴۵/۶	۱۶۳۶/۶	۱۶۶۴/۲	۳۵۸۹/۶	۲۲/۸	۲۸/۶

○ نرخ مؤثر تعرفه‌های گمرکی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) کمتر از ۶ درصد است. لذا تعرفه‌های تجاری نمی‌تواند در مهار واردات، بهبود تراز تجارت خارجی، رشد درآمدهای دولت و حمایت واقعی از تولیدات داخلی کارساز واقع شود.

در شرایطی که مجموع درآمد مالیاتی سهم بسیار ناچیزی در تولید ناخالص داخلی (به میزان ۵/۴ درصد در سال ۷۵) دارد و در حالی که سهم درآمدهای مالیاتی حتی در پرداخت‌های جاری دولت (اعتبارات جاری) در همین سال فقط ۳۲/۴ درصد بوده است، سهم درآمد دولت از ۱۵ میلیارد دلار واردات کشور فقط ۲۹۳۴/۳ میلیارد ریال بود که ۲۳/۸ درصد درآمدهای مالیاتی را تشکیل داد.

با توجه به آنکه نرخ مؤثر تعرفه‌های گمرکی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) کمتر از ۶ درصد می‌باشد، می‌بایست گفت تعرفه‌های گمرکی نه در درآمدهای دولت و نه در حمایت از تولیدات ملی نقش کارساز دارند. در همین حال نقش تعرفه‌ها در ایجاد توازن در تراز تجارت خارجی نیز بسیار ناچیز است. آخرین آمار موجود در مورد واردات کالاهای مصرفی در این گزارش بانک مرکزی به میزان یک میلیارد و ۸۶۴ میلیون دلار برای سال ۷۴ ثبت شده که ۲۶/۳ درصد واردات ۱۵ میلیارد دلار آن سال را شامل شده است. لذا نمی‌توان گفت که نرخ تعرفه‌های گمرکی قادر به حمایت از تولیدات داخلی، کاهش میل به مصرف کالاهای خارجی و ایجاد تعادل و توازن در مبادلات خارجی است.

با این وصف مشاهده می‌شود که در مجموعه سیاست‌های اقتصادی و تجاری کشور در سال‌های اخیر دولت از ابزار مؤثر تعرفه‌های گمرکی برای تعادل بخشی به تراز تجارت خارجی، حمایت و شکوفایی تولیدات ملی، ایجاد اشتغال و کمک به رشد تولید ناخالص داخلی، به خوبی استفاده نکرده است. در حالی که این اهرم حتی در تأمین بخش بیشتری از هزینه‌های جاری دولت می‌تواند مؤثر واقع شود.

طراحان سیاست‌های تجاری همواره از دو اهرم نرخ برابری پول ملی در برابر ارزهای معتبر و نیز نرخ مؤثر تعرفه‌های تجاری برای بهبود بخشیدن به وضع تراز تجارت خارجی استفاده می‌کنند. برای اقتصاد ایران که وابستگی شدید

به ارز حاصل از صادرات نفت (فروش ثروت ملی) دارد، استفاده از این ابزارها برای مهار واردات (به ویژه کالاهای لوکس و غیرضروری مصرفی) ضروری به نظر می‌رسد.

گذشته از آن با وجود تعهدات خارجی سنگین و لزوم پرداخت اقساط بدهی‌های خارجی که در سال جاری به ۱۲ میلیارد دلار (بابت تعهدات استثمالی و تعهدات جدید) می‌رسد، کنترل و مهار واردات برای کمک به بهبود تراز تجارت خارجی، صرفه‌جویی ارزی و سرمایه‌گذاری درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی در طرح‌های مولد اقتصادی با بازده بلندمدت، افزایش درآمدهای دولت (از مالیات بر واردات) برای پوشش بخش بیشتری از هزینه‌های جاری (که بازده اقتصادی زیادی ندارد) و... لازم است.

○ طراحان سیاست‌های تجاری می‌بایست از دو اهرم نرخ ارز و تعرفه‌های گمرکی به نفع بهبود تراز تجارت خارجی، صرفه‌جویی ارزی، سرمایه‌گذاری سهم بیشتری از درآمدهای نفتی در طرح‌های مولد اقتصادی و کمک به رشد تولیدات صادراتی، بیشتر بهره‌برداری کنند.

طراحان سیاست‌های تجاری می‌بایست به استفاده مؤثر از دو اهرم نرخ ارز و تعرفه‌های گمرکی بیش از پیش بیندیشند. واردات کالاهای، مواد اولیه و تجهیزات و ماشین‌آلات می‌بایست با هدف تولید کالاهای صادراتی و افزایش صادرات غیرنفتی، بازنگری و برنامه‌ریزی شود. در همین حال ضرورت بهبود کیفیت تولیدات داخلی تا حد استانداردهای قابل قبول جهانی برای افزایش تقاضای داخلی برای تولیدات ملی و بهبود توان رقابت کالاهای صادراتی غیرنفتی، نباید از نظر دور بماند.

